

تالشان روسپیدان تاریخ ایران

عارف واحد ناوان

...او یک قصاب بود ، اهل لنکران از جمهوری آذربایجان ، گوسفندی را وارونه بالای درخت کشیده و سخت مشغول شقه کردنش بود ، ناگهان ساطور را نگه داشت نیم نگاهی به من انداخت سپس به زبان تالشی که شاخه‌ای از فارسی (پهلوی اشکانی) است ، گفت: "مرا با خودت به ایران ببر ، بگذار اتوبوس به من بخورد و مرا در خیابان‌های ایران بکشد ، بگذار در ایران بمیرم..."

این نه حرف‌های یک ایرانی زبان ساکن جمهوری آذربایجان بلکه درد دل بیش از یک میلیون تالشی ساکن در جنوب این جمهوری است. ناله‌هایی که با گذشت نزدیک به دو قرن از عقد قراردادهای گلستان و ترکمنچای همچنان به گوش می‌رسد ، این فریادها حتی پس از هفتاد سال در پس پرده‌های آهنین خاموش نماند. بی‌دلیل نیست که تاریخ‌نویسان از این قوم به عنوان وفادارترین اقوام به ایران یاد می‌کنند. واقعیت این است که: "نام تالش و تالشان در طول زمان در اوراق و صفحات تاریخ ایران با آزادی مترادف است و در تاریخ معاصر از زمان نادر تا نهضت مشروطیت با خودکامگی و استبداد مدام در نبرد بود و در حراست از مرزهای ایران عزیز همواره روسپید و گردن فراز مانده است." آنچه در پی می‌آید مقاله‌ای است که به زبان روسی توسط اعضای جمعیت اوستای مشترک در شماره ۷۱-۷۰ روزنامه اتنولنیه نوشته شده است. روزنامه فوق یک روزنامه روسی زبان با ۴۰ هزار تیراژ است.

* * *

پیش از هر چیز باید ذکر کنیم که ایجاد جمعیت ما در نوع خود یک رویداد دوران ساز در زندگی ملت تالش است اعضای جمعیت اوستا برای نخستین بار در خارج از جمهوری آذربایجان تشکیل شده و عهده‌دار دفاع از منافع تالشان گردیده است. ما فعالیت خود را از نظر تاریخ نژادی در دوران زندگی فاجعه‌انگیز شدید تالشان شروع کردیم و مسلماً مسئولیت بزرگم، بر

عهده ما است. هم در مقابل نسل‌های گذشته که آرزوهایشان تحقق پیدا نکرد و هم در مقابل نسل‌های آینده که هنوز هم می‌توانیم آنها را نجات دهیم. بنابراین امروز باید قاطعانه جهان‌بینی خود را تغییر داده و اسم، تاریخ، فرهنگ، زبان، سنن و آداب خود را در چارچوب میراث فرهنگی و تاریخی مشترک ایران دوباره زنده کنیم. از دوران قدیم، تاریخ‌نویسان و جغرافی‌دانان در خصوص مادها، کاسپی‌ها، گل‌ها و آماردها مطالبی را نوشته یا گفته‌اند. واقعیت این است که اینها اجداد ما بوده‌اند. در ادبیات علمی از اینها اغلب به عنوان ایرانی نام بوده می‌شود و درست است در رگ‌های ما همیشه خون ایرانی جاری بوده و جاری است و جاری خواهد شد و این یک حقیقت غیرقابل انکار است. تصادفی نیست که همیشه در اصطلاح تاریخی از ایران به عنوان سرزمین‌های بسیار پهناور و غیرقابل مقایسه با سرزمین‌های فعلی دولت ایران، یاد شده است. تالشان رابطه ناگسستنی با تاریخ دیگر ملل ایران و بیشتر از همه با فارس‌ها دارند و تهاجم ترک و مغول هرچه قدر هم طولانی باشد، نمی‌تواند روی این حقیقت (ایرانی بودن تالشان) خط بکشد. ما یکپارچه ایرانی زبان بودیم، هستیم و خواهیم بود اما برای این کار باید زحمت بکشیم و بکوشیم به خاطر همین هدف، جمعیت اوستا ایجاد شده است. باید اعتراف کنیم که اوستا قدیمی‌ترین آثار باستانی فرهنگ ایرانی‌ها است این گونه نبوده که هر ملتی مفتخر به دارا بودن پیامبر از ملت خود بوده باشد. زرتشت پیامبری بود برای از بین بردن بت‌پرستی و دعوت مردم به سوی راه راست که از سوی خداوند برای ایرانی‌ها فرستاده شد. بنابراین هدف انتخاب نام اوستا برای شکل خود ایجاد پلی میان گذشته و آینده خودمان است زیرا تاریخ اجداد ما تاریخ ما هم است. البته همواره نقاط ناشناخته در تاریخ هر ملتی ممکن است وجود داشته باشد. وظیفه ما نه تنها پیدا کردن همان مناطق ناشناخته است بلکه باید نقاط ضعف را هم پر کنیم تا به این روش، عدالت تاریخی را دوباره زنده کنیم.

شاید از روی سهل انگاری و بی رغبتی نیاکان گذشته در قرن های دوازده و سیزده میلادی بوده است که اقوام کوچ نشین مغول تاریخ پیشین و تاریخ بعدی ما را اخذ کردند و با تصاحب همه آثار تاریخی و فرهنگی نیاکانمان و با ترجمه اسامی مشاهیر ، مناطق مشهور ، مشخصات نژادی و سایر آثار تاریخی به زبان ترکی ادعای مالکین آن را کردند. ضربه جدی بعدی در سال های ۱۹۳۰ به ما وارد شد زمانی که ملت ما از نام خود محروم و در سندهای بعدی در چهارچوب جمهوری آذربایجان گنجانده شد که اطلاق این نام به هیچ وجه هویت قومی و ملیتی ما را نشان نمی دهد. تلاش حکومت جمهوری آذربایجان برای پنهان کردن جمعیت واقعی تالشان ناشی از این واقعیت است که تعداد تالشان بیش از ۱/۵ میلیون نفر است. متأسفانه وضعیت نابسامان اقتصادی تالشی ها را وادار به ترک دیار می کند گرچه آنها به اصطلاح در گوشه بهشتی زندگی می کنند و همه عناصر طبیعی را برای رشد و رفاه دارند اما آنها در نهایت تنگدستی اند. به نظر می رسد برای بازسازی اقتصادی استان تالشان مسئله را باید از راه سیاسی حل کرد و آن حداقل ایجاد یک جمهوری خودمختار همانند جمهوری خودمختار نخجوان است. تنها تحقق این مسئله می تواند ملت ما را از این بن بست عمیق اقتصادی ، سیاسی و معنوی و فرهنگی نجات دهد. زیرا پس از فروپاشی شوروی در نتیجه سیاست های آگاهانه مجریان جمهوری آذربایجان با نقش مسلط و حاکم کردن یان ترک ها زمینه انقراض ملت های بومی ایران زمین فراهم شده است.

از این رو برای نزدیکی به ایران باید منطقه آزاد تجاری و اقتصادی در مرز میان دو کشور ایجاد و گسترش یابد البته کلمه مرز اینجا کاملاً جنبه صوری دارد زیرا میان یک ملت واحد نباید مرزی وجود داشته باشد چرا که تالشان از نظر تاریخی و نژادی همیشه ایرانی بوده اند. متأسفانه هم اکنون تالشان در مدرسه ها به طور اجباری میراث تاریخی و فرهنگی ملت هایی را یاد می گیرند که هیچ گونه ارتباطی نه به آذربایجان به عنوان قسمت تاریخی ایران دارد

و نه به تالشان که خود از نژاد اصیل ایرانی هستند بنابراین در شرایط فعلی ضروری است که در مدرسه های جمهوری آذربایجان آموزش زبان فارسی به عنوان زبان دوم این جمهوری تدریس شود. از سوی دیگر در حالی که موجودیت فرهنگی جمهوری آذربایجان با وجود باشگاه های شبانه (بارها)، خانه های بازی (بایگاه ها) کازینوها و... همانند ترکیه به شدت به خطر افتاده است ، استان تالشان تنها منطقه ای است که در سراسر جمهوری آذربایجان در آن موازین اسلامی و فرهنگی رعایت می شود به همین خاطر پیش از آنکه دیر شود باید سد مطمئنی را مقابل این گونه تهاجم های فرهنگی ایجاد کنیم.